

درس اول

سرآغاز دفتر اول مثنوی معنوی به «نی‌نامه» شهرت یافته است. گرچه آغاز مثنوی مولانا با دیگر آثار تشر و نظم فارسی تفاوت دارد اما روح نیایش و توجه به حق، در تار و پود آن نهفته است.

این «نی» همان مولاناست که به عنوان نمونه‌ی یک انسان آگاه و آشنا با حقایق عالم معنا، خود را اسیر این جهان مادی می‌بیند و «شکایت می‌کند» که چرا روح آزاده‌ی او از «نیستان» عالم معنا بریده است.

آنچه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کلّ و حقیقت هستی است و در حقیقت، این «نی عشق» را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.

نکات مهم

نیستان: نیزار، جایی که نی می‌روید / جذبه: کشش (در اصطلاح عرفان: کشش غیبی، حالتی که به عارف دست می‌دهد و او را به سوی حق می‌کشد و از خود بی‌خود و بی‌خبر می‌گرداند)

مثنوی معنوی: {
 اثر ← مولانا (مولوی)
 نی‌نامه ← ۱۸ بیت آغازین (سرآغاز) دفتر اول مثنوی — مشهور به «نی‌نامه»
 چرا نی‌نامه نوعی «نیایش» تلقی می‌گردد؟ ← روح نیایش و توجه به حق در تار و پود آن نهفته است

* «نی» (در نی‌نامه): استعاره از مولانا — به عنوان یک انسان آگاه و آشنا با حقایق عالم معنا (که خود را اسیر این جهان مادی می‌بیند و از جدایی روح آزاده‌ی خود از عالم معنا شکایت می‌کند)

نیستان عالم معنا: اضافه‌ی تشبیه‌ی (عالم معنا: مشبه / نیستان: مشبه‌به)

* علت پدید آمدن آواز در نی: کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، پروردگار و کلّ و حقیقت هستی / نی عشق: اضافه‌ی تشبیه‌ی (عشق: مشبه / نی:

مشبه‌به) / نوازنده‌ی نی عشق: پروردگار / نی وجود (مولانا): اضافه‌ی تشبیه‌ی (وجود مولانا: مشبه / نی: مشبه‌به) / هنگام برخاستن فریاد از نی وجود عارف: زمانی است که جذبه‌ی حق بر عارف اثر گذارد

نی‌نامه

قالب شعر: مثنوی

ممتوا: نیایش

بشنو، از نی چون حکایت می‌کند / از جدایی ما شکایت می‌کند

نکات مهم

نی: استعاره از «مولانا = انسان آگاه و آشنا با حقایق عالم معنا» (نماد) / جدایی‌ها: منظور ← «جدایی انسان از عالم معنا (از خالق خود)»

◀ معنی: صدای این نی (مولانا، انسان آگاه) را بشنو که چگونه داستان خود را بیان می‌کند و از جدایی‌ها (جدایی از عالم معنا) شکایت می‌نماید.

◀ مفهوم: بیان شکایت از جدایی انسان از عالم معنا و از خداوند.

نی: { استعاره / حکایت و شکایت: جناس ناقص
 نماد



گزینستان تا مرا بریده‌اند / از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند

نکات مهم

نیستان: استعاره از «عالم معنا» / بُریده‌اند (بریده‌اند): قطع و جدا نمودند / نفیر*: فریاد و زاری به آواز بلند / مرد و زن: مجاز از «همه‌ی هستی و همه‌ی آفریدگان»

◀ معنی: از آن هنگامی که مرا از نیستان عالم معنا جدا نموده‌اند از فریاد و زاری من تمامی آفریده‌ها نالان و گریان هستند.

◀ مفهوم: همه‌ی آفریده‌ها در شوق إدراک حقیقت هستی فریاد می‌زنند و عشق به مبدأ را بر زبان می‌آورند.

نیستان: استعاره / مرد و زن: مجاز } تناسب (مراعات نظیر)

سینه‌خواهم شرحه شرحه از فراق* / تا بگویم شرح در اشتیاق*

نکات مهم

سینه: مجاز از «انسان سینه‌سوخته و رنج‌کشیده» / شرحه شرحه*: پاره‌پاره (شرحه: پاره‌ی گوشتی که از درازا بریده باشند) / فراق: دوری، جدایی / اشتیاق*: میل قلب است به دیدار محبوب؛ در کلام مولانا ← اشتیاق ← «روح کمال‌طلب و خداجو در راه شناخت پروردگار و إدراک حقیقت هستی است»

◀ معنی: توضیحات (۱) برای بیان درد اشتیاق، شنونده‌ای می‌خواهم که دوری از حق را ادراک کرده و دلش از درد و داغ فراق سوخته باشد.

◀ مفهوم: هر شخصی صلاحیت گفت‌وگوی عشق را ندارد باید رنج‌کشیده و مبتلا به عشق باشد. [دوری از حق را درک کرده و دلش از درد و داغ فراق سوخته باشد] (توضیحات «۱»)

سینه: مجاز / شرح و شرحه: جناس ناقص } واج‌آرایی: تکرار صامت «ش» اشتقاق

◀ ارتباط معنایی دارد با:

باقی نمی‌توان گفت آلا به غمگساران
با آن نتوان گفت که بیدار نباشد
پس سخن کوتاه بایند، والسّلام

۱- چندی کنم حکایت، شرح این‌قدر کفایت
۲- آهنگ دراز شب رنج‌وَرِ مشتاق
۳- در نیابد حال پخته هیچ خام

هرکسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش

نکات مهم

اصل: توضیحات (۲) (در این بیت): «بازگشت به سوی خدا» / کاو: مخفّف «که او» / آرایه‌ی تلمیح: توضیحات (۲) بیت اشاره و تلمیح دارد به «کُلّ شیء یرجع الی اصله» (هرچیزی سرانجام به اصل و ریشه‌ی خود بازمی‌گردد و نیز تلمیح دارد به آیه‌ی معروف «أَنَّا لِلّٰهِ وَأَنَّا إِلَیْهِ رَاجِعُونَ»)

◀ معنی: هرکسی از اصل و مبدأ خود دور مانده باشد، در نهایت نیز به همان‌جا بازمی‌گردد.

◀ مفهوم: هر چیزی سرانجام به اصل و ریشه‌ی خویش بازمی‌گردد (توضیحات «۲»)

اصل و وصل: جناس ناقص / بیت دارای مَثَل (ضرب‌المثل) و تلمیح است

◀ ارتباط معنایی دارد با:

همه یک چیز شد پنهان و پیدا
باز همان‌جا رویم جمله، که آن شهر ماست
ما ز دریاییم و بالا می‌رویم
کی کند این‌جا مقام مرغ کز آن بحر خاست

۱- به اصل خویش راجع گشت اشیا
۲- ما به فلک بوده‌ایم یار مَلک بوده‌ایم
۳- ما ز دریاییم و دریا می‌رویم
۴- خلق چو مرغ‌بایان زاده ز دریای جان

آدم آورد در این دیر خراب آبادم
 رخت خود باز برآتم که همان جا فکنم
 بازگشت همه به دوست به تو
 روم به روضه‌ی رضوان که مرغ آن چمنم
 از همان جا کامد آن جا می‌رود

۵- من ملک بودم و فردوس برین جایم بود
 ۶- جان که از عالم علوی است یقین می‌دانم
 ۷- هست بود همه درست به تو
 ۸- چنین قفس نه سزای چو من خوش‌الحانی است
 ۹- آن چه از دریا به دریا می‌رود

من به جمعیتی نالان شدم جفت بدحالان و خوش حالان شدم

نکات مهم

من: مولانا = نی = عشق / هر جمعیتی: همگان، همه‌ی انسان‌ها / جفت: همراه / بدحالان ■ توضیحات (۳) ◀ کسانی که سیر و سلوک آن‌ها به‌سوی حق، گند و آهسته است / خوش حالان ■ توضیحات (۳) ▶ رهروان راه حق‌اند که از سیر به‌سوی حق شادمان‌اند / بدحالان و خوش حالان: مجاز از «همه‌ی انسان‌ها»
 ▲ معنی: من ناله‌ی عشق به حق را برای تمام انسان‌ها سرداده‌ام و با سالکان گُندرو و رهروان تندرو و شادمان از سیر و سلوک، همراه گشتم.
 ▲ مفهوم: اشاره به «انعطاف‌پذیری و عمومیت عشق به حق» ◀ عشق، همگانی است و عمومی، نه امری ویژه‌ی اقشاری خاص. (مولانا ناله‌ی عشق به حق را برای همه سر می‌دهد ◀ توضیحات «۳»)
 بدحالان و خوش حالان: مجاز / شدم: تکرار

هر کسی از ظنّ خودش یار من از درون من نخبست اسرار من

نکات مهم

ظن: گمان، خیال
 ▲ معنی: هر کسی در حدّ فهم خود، با من همراه و یار شد اما حقیقت حال مرا دریافت.
 ▲ مفهوم: هر شخصی از دیدگاه خود (در حدّ فهم خود) به مسائل می‌نگرد ولی حقیقت امر را درک نمی‌کند.
 بیت دارای مَثَل (ضرب‌المثل) است / من: تکرار

سر من از ناله‌ی من دور نیست یک چشم و گوش را آن نور نیست

نکات مهم

نور: (در این جا) توان، قدرت، فهم و درک / لیک: لکن، اما / چشم و گوش: مجاز از «کُلّ حواس و ادراک انسان»
 ▲ معنی: اسرار من در ناله‌های من نهفته است اما چشم و گوش ظاهری نمی‌تواند راز و حقیقت این ناله را دریابد. (تنها با چشم و گوش دل می‌توان آن را ادراک کرد)
 ▲ مفهوم: اسرار و حقایق عشق با حواس و ادراک ظاهری قابل درک نیست.

چشم و گوش: تناسب } دور و نور: جناس ناقص / نیست: تکرار
 مجاز

ارتباط معنایی دارد با:

«رنگین سخنان در سخن خویش نهان‌اند» از نکته خود نیست به هر حال جدا گل [نکته: بوی خوش]

تن زجان و جان زتن مستور نیست یک کس اید جان دستور نیست

نکات مهم

مستور: پوشیده، پنهان [هم‌خانواده‌ی «ستار»] / دید: دیدن، مشاهده (اسم است نه فعل) / دستور*: اجازه، راهنما، وزیر (در این بیت «اجازه»)



◀ **معنی:** توضیحات (۶) ◀ گرچه جان، تن را ادراک می‌کند و تن از جان آگاهی دارد و هیچ‌یک از دیگری پوشیده نیست اما توانایی دیدن جان به هیچ چشمی داده نشده است.

◀ **مفهوم:** (همانند بیت قبلی) اسرار معنوی با حواس ظاهری (مثل چشم) قابل ادراک نیست.

تن و جان و نیست: تکرار / تن ز جان و جان ز تن: آرایه‌ی «عکس» (قلب) / مستور و دستور: جناس ناقص

◀ ارتباط معنایی دارد با:

«سَرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست»

آتش است این بانگ نای نیست باد / هر که این آتش ندارد، نیست باد

نکات مهم

نای: نی / نیست: { (مصراع اول): منفي «است» / باد: { (مصراع اول): جریان هوا / نای: استعاره از «عشق» / آتش (مصراع دوم): استعاره از «عشق» (مصراع دوم): فانی (مصراع دوم): فعل دعایی

◀ **معنی:** ناله‌ی نی عشق، باد هوا نیست، بلکه آتشی است سوزان. هر که این آتش عشق در وجودش نیست، نابود باد.

◀ **مفهوم:** { عشق ← آتشی سوزان است / فرد بی‌بهره از عشق ← (الهی) نابود گردد

نای: استعاره / آتش است این بانگ نای: تشبیه (بانگ نای: مشبّه / آتش: مشبّه به) / آتش (مصراع دوم): استعاره / جناس تام: { نیست و نیست / باد و باد / آتش و باد: تناسب (هر دو از عناصر چهارگانه‌ی طبیعت هستند ← باد، آتش، خاک، آب) / است و نیست: تضاد

باد (مصراع دوم): ایهام تناسب { معنای اصلی: فعل دعایی / معنای دوم: جریان هوا (که حضور ندارد اما با آتش تناسب دارد)

◀ **نکته:** این بیت فاقد ردیف است ولی دو قافیه دارد: ۱- نیست ۲- باد (ذوقافیتین — یعنی — دارای دو قافیه)

آتش عشق است کاندنی فتاد / جوش عشق است کاندنی فتاد

نکات مهم

◀ **کاندر:** مخفف «که اندر» (اندر = در) / می: شراب، باده

◀ **معنی:** عشق باعث نالیدن نی می‌شود و نیز موجب مستی‌آفرینی و جوشش شراب می‌گردد.

◀ **مفهوم:** عشق —————> حرکت، جنبش و تحوّل است.

آتش عشق: اضافه‌ی تشبیه‌ی (عشق: مشبّه / آتش: مشبّه به) / جوشش عشق: اضافه‌ی استعاری (عشق به چیزی تشبیه شده است که می‌جوشد مثل آب، چشمه و ...) / مصراع دوم: آرایه‌ی «حسن تعلیل» (مولانا علت جوشیدن شراب را عشق می‌داند) / بیت دارای آرایه‌ی «ترصیع» است (آتش ← جوشش / عشق است کاندنر ← عشق است کاندنر / نی ← می / فتاد ← فتاد) / واژه‌های «عشق، است، کاندنر، فتاد»: تکرار

نی، حریف هر که از یاری بُرید / پرده‌هایش پرده‌های ما دید

نکات مهم

حریف: همدم / هر که: عاشقان / یار: معشوق / بُرید: جدا شد، دور گردید / پرده: { اولی ← در اصطلاح موسیقی — یعنی — «آهنگ و نغمه‌های مرتّب» / دومی ← حجاب

«ش» (در پرده‌هایش): نی / مرجع ضمیر «ما»: عاشقان / پرده دریدن: کنایه از «فاش کردن راز»

◀ **معنی:** توضیحات (۸) ◀ نغمه‌های نی، همدم هر عاشق هجران‌دیده است و راز او را فاش می‌کند و برای کسی که جویای معرفت است پرده‌ها و حجاب‌ها را از مقابل چشم برمی‌دارد تا معشوق حقیقی را ببیند.

افشاکننده‌ی راز عاشقان } **مفهوم: نی** / یاریگر عاشقان جویای معرفت برای دیدار معشوق حقیقی (= خداوند)
 برید و درید: جناس ناقص / پرده و پرده: جناس تام / پرده دریدن: کنایه
نکته‌ی دستوری: نقش تمامی ضمیرهای «هرکه»، «ش» و «ما»: (هر سه) مضاف‌الیه

بچونی زهری و تریاقی که دید؟ ، بچونی دماز و مشتاقی که دید؟

نکات مهم

تریاق: * پادزهر، ضدزهر (= تریاک) / **دماز:** همدم، همراز، هم‌نشین
معنی: ■ توضیحات (۹) ← نی هم زهر است و هم پادزهر. در عین دردآفرینی، درمان‌بخش نیز هست (به ظرفیت وجودی افراد بستگی دارد).
مفهوم: نی ← هم زهر و هم پادزهر است [← هم دردآفرین و هم درمان‌بخش است].
مصرع اول: تشبیه } نی: مشبه / زهر: مشبه‌به
 / زهر و تریاق: تضاد (طباق) / این‌که نی هم زهر باشد و هم پادزهر، ظاهراً تناقض ایجاد کرده است ←
 / نی: مشبه / تریاق: مشبه‌به
 متناقض‌نما = پارادوکس / بیت به نوعی دارای «موازنه» است (همچونی ← همچو نی / زهری و ← دماز و / تریاقی ← مشتاقی / که دید ← که دید)
نکته‌ی دستوری: «که» (در هر دو مصرع): ضمیر پرسشی به معنای «چه کسی؟» / که دید؟ (در هر دو مصرع): استفهام انکاری (هیچ‌کس ندید)

نی حدیث راه پُرخون می‌کند، قصه‌های عشق مجنون می‌کند

نکات مهم

حدیث می‌کند و قصه می‌کند: بیان کردن داستان، تعریف کردن قصه / **پُرخون بودن:** کنایه از «شدت سختی و مشقت و رنج» / **راه:** منظور «راه عشق» /
حدیث: سخن، خبر [معانی دیگر ← «نو، تازه؛ سخنان پیامبر (ص) و ائمه (ع)»]
معنی: ■ توضیحات (۱۰) ← نی، داستان راه خونین عشق را بیان می‌کند و از قصه‌ی عشق عاشقانی چون مجنون - که سراسر درد و رنج است - سخن به میان می‌آورد.
مفهوم: نی ← بیانگر } عشق‌های ناکام و سراسر درد و رنج است
 داستان راه خونین عشق است
پُرخون بودن: کنایه / بیت «تلمیح» دارد به ماجرای «لیلی و مجنون» / **مجنون:** نماد «عاشقان پُردرد و سختی‌کشیده و ناکام» / می‌کند: تکرار

محرم این هوش جزبی هوش نیست ، مرزبان ریشتری جز گوش نیست

نکات مهم

محرم: رازدار، خویشتناوند، خودی / **هوش:** ■ توضیحات (۱۱) ← (در این‌جا) عشق / **بی‌هوش:** ■ توضیحات (۱۱) ← عاشق
معنی: ■ توضیحات (۱۱) ← حقیقت عشق را هر کسی درک نمی‌کند؛ تنها، عاشق (بی‌هوش) محرم است، همان‌طور که «گوش» برای إدراک سخنان «زبان» ابزاری مناسب است.
مفهوم: تنها فرد شایسته و صلاحیت‌دار برای درک عشق ← فقط «عاشق» است و بس. (حال عاشق را فقط عاشق درک می‌کند)
گوش: تشخیص (به سبب مشتری بودن) / **زبان و گوش:** تناسب / **زبان:** مجاز از «سخن، کلام» / **مصرع دوم:** آرایه‌ی مَثَل (ضرب‌المثل) / بیت دارای «اسلوب معادله» است / **هوش و گوش:** جناس ناقص / **مصرع اول:** ظاهراً متناقض‌نما (پارادوکس) ← قاعداً محرم هوش باید هوشمند (باهوش) باشد نه بی‌هوش!
نکته‌ی دستوری: «مر»: نشانه‌ی تأکید (در متون گذشته) / «را»: نشانه‌ی فک اضافه (مشتری زبان جز گوش نیست)
ارتباط معنایی دارد با:

۱- هر که بی‌روزی است، روزش دیر شد
 ۲- هشیار چه داند که در این کوچه چه راز است
 ۳- تا بگویم شرح درد اشتیاق
 ۴- پس سخن کوتاه باید، والسلام

۱- هر که جز ماهی ز آبش سیر شد
 ۲- اسرار خرابات به‌جز مست نداند
 ۳- سینه خواهم شرحه‌شرحه از فراق
 ۴- درنیابد حال پخته هیچ خام



دغسم ما روزها بی‌گاه شد روزها با سوزها همراه شد^۲

نکات مهم

بی‌گاه شدن روزها: کنایه از «سپری شدن روزهای زندگی» / مرجع ضمیر «ما»: عاشقان

◀ معنی: توضیحات (۱۲) ▶ عاشق، عمری غمگین است و روزها را با سوز دل به پایان می‌برد.

◀ مفهوم: غمگین بودن همیشگی عاشقان.

بی‌گاه شدن روزها: کنایه / روزها و سوزها: جناس ناقص / روزها: می‌تواند «تشخیص» داشته باشد (به‌خاطر همراه شدن) / واج آرایی: تکرار مصوت بلند «ا» و صامت «ه»

روزها گرفت، کور و، باک نیست / تو بمان، ای آن که چون تو پاک نیست

نکات مهم

باک: ترس، هراس / مرجع ضمیر «تو»: معشوق (پروردگار)؛ عشق و محبت معشوق

◀ معنی: اگر روزهای عمر از دست رفت، اهمّیت ندارد، زیرا آن‌چه که برای عاشق مهمّ است، تنها معشوق و عشق پاک اوست.

◀ مفهوم: اهمّیت عشق محبوب و ماندگاری او

روزها: تشخیص / باک و پاک: جناس ناقص / رو و بمان: تضاد

◀ نکته‌ی دستوری: «گو» و «رو»: فعل امر ← بگو و برو

هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد / هر که بی‌روزی* است، روزش دیر شد^۳

نکات مهم

ماهی: توضیحات (۱۳) ▶ استعاره از «عاشق» / آب: توضیحات (۱۳) ▶ استعاره از «عشق و معرفت» / بی‌روزی*: بی‌نوا و درویش

◀ توضیحات (۱۳) ▶ «بی‌بهره از عشق» / روزش دیر شد: توضیحات (۱۳) ▶ کنایه از این‌که «روزگارش تباه و بیهوده می‌شود»

◀ معنی: توضیحات (۱۳) ▶ تنها ماهی دریای حق (عاشق) است که از غوطه خوردن در آب عشق و معرفت سیر نمی‌شود. هرکس از عشق بی‌بهره باشد، روزگارش تباه و بیهوده می‌شود.

◀ مفهوم: (باز هم) «تنها فرد شایسته‌ی عشق» ← عاشق است و بس.

استعاره: } ماهی / روزش دیر شد: کنایه / سیر و دیر: جناس ناقص / ماهی و آب: تناسب (مراعات نظیر) آب

دنیابد حال نخته هیچ خام^۴ / پس سخن کوتاه باید، والسلام

شعری مولوی به
تصحیح ریوند نیلگون

نکات مهم

دنیابد: نمی‌فهمد، درک نمی‌کند / پخته: توضیحات (۱۴) ▶ عارف واصل / خام: توضیحات (۱۴) ▶ آن‌که راه عشق نسپرده (= بی‌تجربه در امر عشق) /

کوتاه کردن سخن: کنایه از «سخن نگفتن، به پایان بردن کلام» / والسلام: خدانگه‌دار، الوداع

◀ معنی: آن‌که راه عشق نسپرده (بی‌بهره از عشق) از حال عارف واصل (به حق رسیده) بی‌خبر است (توضیحات «۱۴») بنابراین سخن را در این مورد باید کوتاه کرد و به آن پایان بخشید.

◀ مفهوم: فقط عاشقان ← حال عارفان و واصلان را درک می‌کنند ← [مرتبط با بیت سوم همین درس].

کوتاه کردن سخن: کنایه

◀ ارتباط معنایی دارد با:

و گـر گـویـی، کـسی هـمـدرد بـایـد
تـا بـگـویـم شـرح دـرد اـشـتـیـاق
بـاقـی نـمیـتـوان گـفـت آـلـا بـه غـمـگـسـارـان
مـر زبـان را مـشـتـری جـز گـوش نـیـسـت
دـر یـاد لـی بـجـوی دلیـری سـرآمـدی
کـه مـگو حـال دـل سـوخـته بـا خـامـی چـند
خـام از عـذاب سـوخـتـگان بـی خـبر بـود

۱- حدیث عشق جانان گفتنی نیست
۲- سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
۳- چـندت کـنم حـکـایـت، شـرح اـین قـدر کـفـایـت
۴- مـحـرم اـیـن هـوش جـز بـی هـوش نـیـسـت
۵- خـامـان رـه نـرفـتـه چـه دـانـند ذوق عـشق
۶- پـیر مـیخـانـه چـه خـوش گـفـت بـه دُردی کـش خـویش
۷- بـا نـیم پـخـتـگان نـتـوان گـفـت سـوز عـشق

خودآزایی

۱- مقصود از «جدایی»، «نی» و «نیستان» چیست؟

جدایی: دوری و جدایی انسان از عالم معنا (از خداوند)
نی: مولانا، انسان آگاه و آشنا با حقایق عالم معنا
نیستان: عالم معنا

۲- بیت «ما ز دریاییم و دریا می‌رویم / ما ز بالاییم و بالا می‌رویم» با کدام بیت از شعر درس ارتباط معنایی نزدیکی دارد؟

بیت چهارم: «هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش / باز جوید روزگار وصل خویش»

◀ نکات بیت:

دریا: استعاره از «عالم معنا» ^{معادل} «نیستان» (در شعر نی‌نامه) / بیت تلمیح دارد به «کَلْ شَیْءٍ یَرْجِعْ الِیْ اَصْلِهِ» و آیهی «اِنَّا لِلّٰهِ وَاِنَّا اِلَیْهِ رَاجِعُونَ» /
بیت دارای ترصیع است (ما ← / ما / ز دریاییم ← ز بالاییم / دریا می‌رویم ← بالا می‌رویم)
معنی: ما متعلق به دریا هستیم پس در پی رفتن به آن‌جا می‌باشیم. ما از عالم معنا و برتر آمده‌ایم پس به همان جایگاه نیز برمی‌گردیم.
مفهوم: هر کسی یا چیزی در نهایت به اصل و ریشه‌ی خود بازمی‌گردد.

۳- بیت پنجم، ناظر به کدام ویژگی نی است؟

ویژگی «عمومیت داشتن، همگانی بودن، انعطاف‌پذیری»

۴- شاعر برای بی‌خبران از عالم عشق، چه سرانجامی آرزو می‌کند؟

مرگ و نابودی ← «هر که این آتش ندارد نیست باد»

۵- در مصراع «پرده‌هایش، پرده‌های ما درید» تفاوت معنایی پرده را بیان کنید.

پرده (اولی): نغمه و آهنگ
پرده (دومی): حجاب

۶- در مصراع «تو بمان، ای آن‌که چون تو پاک نیست» منظور شاعر از «تو» کیست؟

معشوق (خداوند)؛ عشق و محبت او

◀ واژه‌هایی که اهمیت املائی دارند:

شَرَحـه شَرَحـه / فِرَاق و جَدایی / ظَنّ و گِمان / مَسْتُور و پَنهـان / تَریـاق و پـادَـزَهر.

درس اول: نی‌نامه

سر اسری ▶▶▶

(فارج از کشور ۹۱)

پس سخن کوتاه باید والّسلام
چو درد در تو نبیند که را دوا بکند
با طبیب نامحرم حال درد پنهانی
کاین حال نیست زاهد عالی‌مقام را

۱- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
۲) طبیب عشق مسیحادم است و مشفق، لیک
۳) پیش زاهد از رندی دم مزن که نتوان گفت
۴) راز درون پرده ز رندان مست پُرس



(انسانی ۹۰)

۲- مفهوم همه‌ی ابیات، به استثنای بیت با یکدیگر تناسب دارد.

پس سخن کوتاه باید و السلام
صوفی نشود صافی تا درنکشد جامی
خام از عذاب سوختگان بی‌خبر بود
که مگو حال دل سوخته با خامی چند

۱) درنیابد حال پخته هیچ خام
۲) بسیار سفر باید تا پخته شود خامی
۳) با نیم‌پختگان نتوان گفت سوز عشق
۴) پیر میخانه چه خوش گفت به دُردی‌کش خویش

(زبان ۹۰)

۳- مفهوم کدام بیت با دیگر ابیات متفاوت است؟

هم مهرم و هم جراحست دل
دل فدای او شد و جان نیز هم
هم‌چو نی دمساز و مشتاقی که دید؟
گر دردمند عشق بنالد غریب نیست

۱) ای درد و غم تو راحت دل
۲) دردم از یار است و درمان نیز هم
۳) هم‌چو نی زهری و تریاقی که دید؟
۴) دردیست درد عشق که هیچش طیب نیست

(ریاضی ۸۸)

۴- مفهوم بیت «ما ز دریایم و دریا می‌رویم / ما ز بالایم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب ندارد؟

می‌تپد تا باز در دریا فتد
مر این حدیث مسلم هم این مثل مضروب (= زده شده)
باز شود جزو بی‌گمان به سوی کل
جز تشنه‌لب نیامد و جز ناشتا نشد

۱) ماهی از دریا چو در صحرا فتد
۲) به اصل باز شود فرع و هست نزد خرد
۳) جزو جهان است شخص مردم روزی
۴) سیری طلب مکن که کس اندر نشیب خاک

(تجربی ۸۸)

۵- متن زیر با کدام بیت تناسب مفهومی دارد؟

«آنچه در این نی آوازی پدید می‌آورد، کشش انسان آگاه به سوی عالم معنا، به سوی پروردگار، به سوی کل و حقیقت هستی است و در حقیقت، این «نی عشق» را پروردگار می‌نوازد و فریاد مولانا هنگامی از نی وجودش برمی‌خیزد که جذبه‌ی حق بر او اثر می‌گذارد.»

یوسفی هست دریغا که خرداری نیست
ترسم ای دوست که بادی ببرد ناگهام
ای کم از شبنم، تو هم آینه را پرداز ده
پرواز دل به سوی خدا می‌برد مرا

۱) یار از پرده هویدا شد و یاران غافل
۲) ذره‌ی خاکم و در کوی تو ام جای خوش است
۳) شبنم از روشن‌دلی آینه‌ی خورشید شد
۴) با بال شوق، ذره به خورشید می‌رسد

(هنر ۸۸)

۶- مفهوم بیت «ما ز دریایم و دریا می‌رویم / ما ز بالایم و بالا می‌رویم» با کدام بیت تناسب دارد؟

زان که خرمایی ندارد شاخ بید
باز ما را سوی گردون برکشید
کز رسولانش پیایی شد نوید
ای نهانان سوی بوی آن پرید

۱) همچو مریم سوی خرمابن رویم
۲) ما ز گردون سوی مادون آمدیم
۳) برنشین ای عزم و منشین ای امید
۴) دود و بویی می‌رسد از عرش غیب

(ریاضی ۸۷)

۷- مفهوم عبارت «کُلُّ شَیْءٍ یَرْجِعُ اِلٰی اَصْلِهِ» در کدام بیت وجود ندارد؟

سیر جان، پا در دل دریا نهاد
اصل‌ها مر فرع‌ها را در پی است
تن تو را در حبس آب و گل کشد
تن، زده اندر زمین چنگال‌ها

۱) سیر جسم خشک، بر خشکی فتاد
۲) مادر فرزند، جویان وی است
۳) دل تو را در کوی اهل دل کشد
۴) جان، گشاده سوی گردون بال‌ها

(ریاضی ۸۷)

۸- بیت «درنیابد حال پخته هیچ خام / پس سخن کوتاه باید، والسلام» با کدام بیت ارتباط معنایی ندارد؟

هرگز نبرد سوخته‌ای قصه به خامی
که مگو حال دل سوخته با خامی چند
کامروز آتش عشق، از وی نبرد خامی
سوخته داند که چیست پختن سودای خام

۱) سعدی سخن یار نگوید بر اغیار
۲) پیر می‌خانه چه خوش گفت به دُردی‌کش خویش
۳) فردا به داغ دوزخ ناپخته‌ای بسوزد
۴) هر که در آتش نفت بی‌خبر از سوز ماست

(تجربی ۸۷)

۹- مفهوم بیت زیر در کدام گزینه وجود ندارد؟

پس سخن کوتاه باید، والسلام
پخته داند کاین سخن با خام نیست
چون باد ز خامی نبود جوش و خروشم
و آن را خبر از آتش ما نیست که خام است
عجب از سوختگی نیست که خامی عجب است

«درنیابد حال پخته هیچ خام
۱) تا نسوزد برنیاید بوی عود
۲) فریاد من از سوختگی‌هاست چو آتش
۳) دردا که بپختیم در این سوز نهانی
۴) آتش روی تو زین‌گونه که در خلق گرفت

۱۰- بیت «بگو ای نای، حال عاشقان را / که آواز تو جان می‌آزماید» با کدام بیت ارتباط مفهومی دارد؟ (هنر ۸۷)

- (۱) روزهاگر رفت، گو رو پاک نیست
- (۲) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد
- (۳) نی حدیث راه پر خون می‌کند
- (۴) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست

۱۱- بیت «سینه خواهم شرحه شرحه از فراق / تا بگویم شرح درد اشتیاق» با کدام بیت تناسب معنایی ندارد؟ (فایده از کشور ۸۷)

- (۱) پای نهم در عدم بو که به دست آورم
- (۲) حدیث عشق جانان گفتنی نیست
- (۳) کجاست هم‌نفسی تا به شرح عرضه دهم
- (۴) دردی نبوده را چه تفاوت کند که من

۱۲- بیت «زمانه گر بزند آتش به خرمن عمر / بگو بسوز که بر من به برگ کاهی نیست» با کدام بیت ارتباط معنایی دارد؟ (فایده از کشور ۸۶)

- (۱) بگفتم روز بی‌گاه است و ره بس دور، گفتا رو
- (۲) در غم ما روزها بی‌گاه شد
- (۳) روزهاگر رفت، گو رو، پاک نیست
- (۴) طوفان نوح را به نظر درنیاورد

۱۳- «آن را که خبر شد، خبری باز نیامد» با همه‌ی ابیات، به جز بیت قرابت مفهومی دارد. (تجربه ۸۵)

- (۱) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- (۲) سخن ماند از تو همی یادگار
- (۳) کسی را در این بزم ساغر دهند
- (۴) از تن دوست در سرای مجاز

۱۴- مفهوم بیت «خلق چو مرغابیان زاده ز دریای جان / کی کند این جا مقام مرغ کز آن بحر خاست» کدام است؟ (انسانی ۸۳)

- (۱) به صوت خوش چو حیوان است مایل
- (۲) تن ز جان و جان ز تن مستور نیست
- (۳) هر کسی کاو دور ماند از اصل خویش
- (۴) کبوتری که دگر آشیان نخواهد دید

۱۵- در همه‌ی ابیات، به جز بیت کلمه‌ای وجود دارد که به شیوه‌ی نمادین و تمثیلی، بر عاشق و عارفِ واصل دلالت می‌کند. (ریاضی ۸۱)

- (۱) در نیابد حال پخته هیچ خام
- (۲) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
- (۳) محرم این هوش جز بی‌هوش نیست
- (۴) هر که جز ماهی، ز آبش سیر شد

۱۶- مفهوم بیت «سرّ من از ناله‌ی من دور نیست / لیک چشم و گوش را آن نور نیست» با کدام گزینه متناسب است؟ (زبان ۸۱)

- (۱) حال من اکنون برون از گفتن است
- (۲) ای گل‌فروش، گل چه فروشی به جای سیم
- (۳) گفت: آن یار کز او گشت سر دار بلند
- (۴) رنگین سخنان در سخن خویش نهانند

آزاد

۱۷- املاّی کلمات کدام گزینه درست است؟ (ریاضی ۹۱، نوبت صبح)

- (۱) خوارم ولی به سایه‌ی گل آرمیده‌ام
- (۲) مردی تزر و کشته را پرواز داده
- (۳) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق
- (۴) تا کی کلام بیهده گفتار ناصواب

تحمیدِیہ و مناجات



مناحات

روامدار کہ بہ خاطر هوس خوش، پای بطلان بر عنوان حق گذارم و باطل را بر حق برگزینم۔

ملکا ذکر تو کویم کہ تو پاک و حسد ہے نروم جز بہ جہان رہ کہ تو اُم راہ نیلے
 ہمہ در گاہ تو جیمہ در گاہ تو جیمہ از فضل تو یوم بہ تو حید تو کویم کہ بہ تو حید سزای تو عیسیٰ تو کریمی تو جیمی تو غایبہ ی فصلی تو سزاوار شای
 متوان وصف تو لفتن کہ تو در فہم خن متوان شبہ تو لفتن کہ تو در ہم نیلے